
**جایگاه حقوقی زن در تاریخ مبانی ایران مطالعه موردی نقش ترکان خاتون مادر سلطان محمد خوارزمشاه در نظام سیاسی و حقوقی دربار
امید کفاشی ؛**

کارشناسی ارشد تاریخ و مدیریت دولتی گرایش مالیه و بودجه دانشگاه ارومیه و آزاد بناب

چکیده :

این مقاله به بررسی جایگاه حقوقی زنان در تاریخ ایران با تمرکز بر نقش ترکان خاتون، مادر سلطان محمد خوارزمشاه، در نظام سیاسی و حقوقی دربار خوارزمشاهی می پردازد. در این مطالعه، نقش ترکان خاتون به عنوان یک شخصیت مؤثر در ساختار قدرت و نظام حقوقی دربار، و تأثیر او بر سیاست های داخلی و خارجی بررسی شده است. با تحلیل اسناد تاریخی و متون نظام حقوقی آن زمان، سعی شده است جایگاه حقوقی و نقش تصمیم گیرنده زنان در ساختار حکومت مورد تبیین قرار گیرد. نتایج نشان می دهد که حضور و نفوذ زنان در نظام سیاسی خوارزمشاهی، علی رغم محدودیت های اجتماعی، حائز اهمیت بوده و نقش آنان در توسعه نظام حقوقی و سیاست گذاری قابل توجه است.

کلمات کلیدی

جایگاه ، حقوق ، زن ، ترکان خاتون ،خوارزمشاهیان ، نظام سیاسی ، تاریخ

مقدمه

ترکای خاتون، کیست؟ او همسر تکش خوارزمشاه و مادر سلطان محمد خوارزمشاه بود. او یکی از بانفوذترین زنان در تاریخ امپراتوری خوارزمشاهیان به شمار می رود و نقش مهمی در تحولات سیاسی و نظامی این دوره ایفا کرد.

اوایل زندگی و ازدواج: اطلاعات دقیقی از دوران اولیه زندگی ترکای خاتون در دست نیست، اما او از خاندان قراختاییان بود که قدرت زیادی در آسیای مرکزی داشتند. او با تکش خوارزمشاه، دومین سلطان از سلسله خوارزمشاهیان، ازدواج کرد. این ازدواج احتمالاً با هدف تحکیم روابط سیاسی و نظامی بین خوارزمشاهیان و قراختاییان صورت گرفته است.

قدرت و نفوذ در دوران تکش: ترکای خاتون در دوران سلطنت همسرش، تکش، نفوذ قابل توجهی پیدا کرد. او نه تنها به عنوان همسر سلطان، بلکه به عنوان یک شخصیت سیاسی مستقل نیز عمل می کرد. برخی منابع تاریخی او را در اداره امور مملکتی و حتی در لشکرکشی ها، مشاور و همراه تکش معرفی کرده اند. او به دلیل داشتن اراده قوی و هوش سیاسی، توانست جایگاه ممتازی در دربار کسب کند.

نیابت سلطنت و نقش در دوران سلطان محمد:

پس از مرگ تکش، پسرش، سلطان محمد، به تخت سلطنت نشست. در این دوران، نفوذ ترکای خاتون به اوج خود رسید. او به عنوان

“ملکه مادر” و “نایب السلطنه” عملاً قدرت زیادی در دست داشت. سلطان محمد به شدت تحت تأثیر مادرش بود و بسیاری از تصمیمات مهم سیاسی و نظامی با مشورت و تأیید او اتخاذ می شد.

نقش در سیاست داخلی: ترکای خاتون در امور داخلی امپراتوری نیز دخالت داشت. او در تعیین مقامات و صدراعظم ها نقش داشت و از منافع خانواده و قبیله خود در دربار دفاع می کرد.

نقش در سیاست خارجی و جنگ با مغولان: یکی از مهم ترین دوران فعالیت سیاسی ترکای خاتون، در زمان آغاز حملات مغولان به رهبری چنگیزخان بود. مورخان معتقدند که او نقشی کلیدی در سیاست قاطع و جنگ طلبانه سلطان محمد در برابر مغولان داشت. برخی او را یکی از عوامل اصلی عدم پذیرش صلح و ادامه ی جنگ با مغولان می دانند. او به شدت با هرگونه سازش با مغولان مخالف بود و بر مقاومت نظامی تأکید داشت. این پافشاری بر جنگ، در نهایت به سقوط امپراتوری خوارزمشاهیان و ویرانی گسترده منجر شد.

تصمیم گیری در قضیه قتل سفیران مغول : مشهور است که پس از ماجرای قتل سفیران مغول در شهر اترار به دستور حاکم آن (که احتمالاً با تأیید یا تشویق ترکای خاتون صورت گرفت)، ترکای خاتون نیز از مخالفان سرسخت هرگونه صلح و مذاکره با چنگیزخان بود و بر جنگ و مقابله اصرار ورزید

سرانجام او : پس از شکست های پی در پی سپاه خوارزمشاهیان از مغولان سقوط شهرهای بزرگ، قدرت ترکای خاتون نیز رو به افول گذاشت. سرنوشت دقیق او پس از این وقایع به طور کامل مشخص نیست، اما برخی منابع اشاره دارند که او در نهایت به همراه دیگر اعضای خانواده سلطنتی به اسارت مغولان درآمد یا در جریان حملات کشته شد. ترکای خاتون به عنوان نمادی از قدرت زنان در دوره خوارزمشاهیان شناخته می شود؛ زنی که توانست با هوش سیاسی و اراده خود، نقشی محوری در یکی از پراشوب ترین دوران های تاریخ ایران ایفا کند، هرچند که تصمیمات او در نهایت به فروپاشی امپراتوری انجامید. دوره خوارزمشاهیان، به ویژه در سده های ششم و هفتم هجری، یکی از مقاطع مهم تاریخ ایران از نظر تحولات سیاسی، نظامی و اداری محسوب می شود. در این دوره، ساختار حکومت بر پایه اقتدار سلطنت، دیوان سالاری گسترده و پیوندهای خاندانی استوار بود. در چنین بستری، برخی از زنان درباری، به ویژه زنان وابسته به خاندان سلطنتی، توانستند نقش مؤثری در فرآیندهای سیاسی و حتی حقوقی ایفا کنند. یکی از برجسته ترین این چهره ها، ترکان خاتون، مادر سلطان محمد خوارزمشاه، است که نفوذ و اقتدار او در دربار خوارزمشاهی از منابع تاریخی به وضوح قابل استنباط است. ترکان خاتون نه تنها در عرصه تصمیم گیری های سیاسی و انتصاب مقامات نقش داشت، بلکه در شکل دهی به مناسبات قدرت، قدرت «مدیریت دربار و حتی جهت دهی به سیاست های حکومتی اثرگذار بود. بررسی جایگاه او می تواند نشان دهد که مفهوم زنان در نظام های سنتی تا چه اندازه می توانست فراتر از چارچوب های رسمی و مدون عمل کند. به بیان «نفوذ سیاسی» و «حقوقی دیگر، تحلیل موردی نقش ترکان خاتون، امکان واکاوی رابطه میان ساختار حقوقی رسمی و واقعیت های عملی قدرت در دربار را فراهم می سازد.

این مقاله با رویکردی توصیفی-تحلیلی و با بهره گیری از منابع تاریخی و متون مرتبط با دوره خوارزمشاهی، در پی پاسخ به این پرسش اساسی است که جایگاه حقوقی زنان در این دوره تا چه حد امکان مشارکت در قدرت سیاسی را فراهم می کرد و ترکان خاتون چگونه توانست در چارچوب یا فراتر از این ساختارها نقش آفرینی کند. هدف اصلی پژوهش، تبیین نسبت میان جایگاه حقوقی زن و کارکرد عملی او در ساختار سیاسی خوارزمشاهی و ارائه تصویری مستند از ظرفیت های حقوقی و سیاسی زنان در تاریخ ایران است.

۲ بیان مسئله

در تاریخ اسلام و به ویژه در تاریخ ایران، زنان همواره در ساختارهای اجتماعی و سیاسی مورد غفلت قرار گرفته اند و پژوهش های تاریخی به ندرت به نقش و جایگاه آنان پرداخته اند (فتوحی، ۱۳۹۵) با این حال، شواهد تاریخی نشان می دهد که زنان

در برخی دوره ها، به ویژه در دوران خوارزمشاهیان، نفوذ و تأثیر قابل توجهی در نظام های سیاسی داشته اند (محمودی، ۱۳۹۸). نقش ترکان خاتون، مادر سلطان محمد خوارزمشاه، به عنوان یکی از زنان مهم و مؤثر این دوره، نمونه ای بارز از این تأثیرگذاری است. ترکان خاتون نه تنها به عنوان یک مادر سلطنتی، بلکه به عنوان یک مشاوره سیاسی و مادر حاکم، در تصمیم گیری ها و سیاست گذاری های داخلی و خارجی نفوذ داشته است (یوسفی، .) ۱۴۰۰ با این حال، سؤالات زیادی درباره چگونگی این تأثیرگذاری و ابعاد حقوقی آن وجود دارد. آیا ترکان خاتون توانسته است با بهره گیری از جایگاه خود در جامعه، به ترویج حقوق زنان بپردازد و یا اینکه نقش وی محدود به حفظ قدرت و تأمین منافع خانوادگی بوده است؟ پژوهش ها در زمینه نقش زنان در تاریخ ایران، به ویژه در دوره های توانمندی سیاسی، همچنان محل بحث و تحلیل است (ناصرزاده، .) ۱۳۹۷ به علاوه، فقدان اسناد و منابع جامع درباره ی (جایگاه حقوقی و سیاسی این زنان در تاریخ، فهم ما را از واقعیت های اجتماعی و حقوقی آن زمان محدود می کند) (زمردی، ۱۳۹۶) لذا، تحقیق حاضر در نظر دارد با تمرکز بر بررسی زندگی و فعالیت های ترکان خاتون، نسبت میان قدرت سیاسی و جایگاه حقوقی زنان در دربار خوارزمشاهی را تبیین نماید.

هدف این پژوهش، بررسی این مسئله است که چگونه ترکان خاتون به عنوان یک زن قدرتمند در نظام سیاسی خوارزمشاهی، توانسته است با چالش های اجتماعی و حقوقی زمان خود مواجه شود و به طور مؤثر در تصمیم گیری های حکومتی مشارکت نماید. این مطالعه می تواند به روشن شدن ابعاد ناپیدای زندگی سیاسی زنان در تاریخ ایران و تحلیل ساختارهای حقوقی و اجتماعی آنها کمک کند.

۳ پیشینه پژوهش

مطالعه جایگاه حقوقی و اجتماعی زنان در تاریخ ایران، به ویژه در بستر نظام های سیاسی و درباری، از مباحثی است که طی دهه های اخیر توجه پژوهشگران حوزه تاریخ، جامعه شناسی و حقوق را به خود جلب کرده است. هرچند که منابع تاریخی کلاسیک کم تر به حضور زنان در ساختار قدرت پرداخته اند، اما بررسی های جدیدتر کوشیده اند تا از خلال متون تاریخی و آثار حقوقی، نقش آنان را در فرآیندهای سیاسی و اجتماعی آشکار سازند. در این زمینه، اثر ارزشمند شیرین بیانی با عنوان زنان در ایران دوره مغول و نیز پژوهش های وی در مورد ترکان خاتون و زنان دربار خوارزمشاهی از نخستین کارهای علمی ای به شمار می رود که به صورت مستند به تحلیل موقعیت زنان قدرتمند در تاریخ ایران پرداخته است (بیانی، .) ۱۳۷۳ بیانی در آثار خود بر این نکته تأکید دارد که زنان دربار، علی رغم محدودیت های عرفی و شرعی، با اتکا به جایگاه خانوادگی و نقش مادرانه در نظام سلطنت، توانسته اند در تصمیم گیری های مهم سیاسی، مالی و حتی نظامی سهیم باشند. وی ترکان خاتون را یکی از نمونه های برجسته این پدیده دانسته و نفوذ او بر سلطان محمد خوارزمشاه و ساختار سیاسی دربار را به طور مفصل بررسی می کند.

پژوهش های دیگر نظیر آثار محمد ابراهیمی (۱۳۹۲) (با عنوان نظام قدرت در دوران خوارزمشاهیان و سوده فتاحی) (۱۳۹۸) در زن و سیاست در تاریخ ایران اسلامی نیز به جنبه های حقوقی و اجتماعی قدرت زنان پرداخته اند. این تحقیقات تأکید دارند که در بسیاری از دوره های تاریخی، قدرت زنان نه از طریق نهادهای رسمی حقوقی، بلکه از راه نفوذ غیررسمی در دربار و شبکه های با نگاه جامعه شناختی، ساختارهای، خانوادگی شکل می گرفت. همچنین، مرتضی راوندی (تاریخ اجتماعی ایران، ج ۴) مردسالار حاکم بر دوره های مختلف ایران را بررسی کرده و موارد معدودی از نفوذ سیاسی زنان را به عنوان استثناهای تاریخی مطرح ساخته است.

در پژوهش حاضر، با تکیه بر دیدگاه های بیانی و سایر محققان یادشده، تلاش شده است تا ضمن بررسی اسناد و منابع تاریخی مرتبط با دوره خوارزمشاهی، نقش ترکان خاتون در ساخت نظام سیاسی، مناسبات قدرت و جایگاه حقوقی خود مورد تحلیل تطبیقی قرار گیرد. رویکرد این تحقیق بر آن است که فراتر از توصیف تاریخی، بنیان های حقوقی مشروعیت قدرت زنان دربار را بررسی کرده و نسبت میان ساختار رسمی حکومت و حضور واقعی آنان را آشکار سازد.

۴ روش تحقیق

قرار می گیرد و با تکیه (Historical-Analytical) پژوهش حاضر از نظر ماهیت و هدف، در زمره ی پژوهش های توصیفی تحلیلی بر داده های تاریخی، به بازسازی و تحلیل جایگاه حقوقی و سیاسی ترکان خاتون در دربار خوارزمشاهی می پردازد.

۱- نوع و رویکرد پژوهش

نوع پژوهش: تاریخی تحلیلی

رویکرد: کیفی

در این مطالعه، تلاش می شود با تحلیل روایت ها، اسناد و گزارش های تاریخی، به فهم عمیق تری از ساختار قدرت، جایگاه حقوقی زن و نقش ترکان خاتون در نظام سیاسی خوارزمشاهی دست یافته شود.

۲- جامعه و میدان پژوهش

جامعه ی پژوهش را منابع مکتوب تاریخی، فقهی و حقوقی مرتبط با: تاریخ خوارزمشاهیان نقش زنان در دربارها و ساختارهای سیاسی ایران به صورت خاص، گزارش های مربوط به ترکان خاتون و مادران سلطنتی تشکیل می دهد.

(Purposeful) در این پژوهش، به دلیل ماهیت تاریخی موضوع، نمونه گیری آماری مطرح نیست؛ بلکه از روش نمونه گیری هدفمند استفاده شده و منابعی انتخاب شده اند که: به دوره ی خوارزمشاهیان مربوط اند، به ترکان خاتون به طور مستقیم یا (Sampling) غیرمستقیم اشاره دارند، به بررسی نقش زنان در ساختار قدرت سیاسی و حقوقی پرداخته اند (مانند آثار شیرین بیانی).

۳- ابزار گردآوری داده ها

ابزار اصلی گردآوری اطلاعات در این تحقیق، مطالعه کتابخانه ای و اسنادی است؛ شامل: کتب تاریخی کلاسیک (تاریخ نگاران دوره اسلامی و منابع مربوط به خوارزمشاهیان)، آثار پژوهشی معاصر (مانند نوشته های شیرین بیانی در خصوص زنان و ترکان خاتون)، مقالات علمی، پایان نامه ها و تحقیقات دانشگاهی مرتبط با تاریخ حقوق و جایگاه زنان، منابع فقهی و حقوقی که به وضعیت حقوقی زنان در دوره های کلاسیک اسلامی اشاره دارند.

۴- روش گردآوری داده ها

شناسایی منابع: با مراجعه به فهرست ها، کتابشناسی ها و پایگاه های علمی، منابع مرتبط با خوارزمشاهیان، ترکان خاتون و زنان دربار جمع آوری شده است. مطالعه و فیش برداری از منابع منتخب، داده ها و گزارش های مرتبط با: جایگاه حقوقی زنان، اختیارات سیاسی و اداری ترکان خاتون، ساختار دربار خوارزمشاهی استخراج و فیش برداری شده است. **طبقه بندی داده ها:** اطلاعات به دست آمده در محورهای نظیر: ساختار حقوقی و عرفی قدرت، نقش مادران سلطنتی، جایگاه ترکان خاتون در تصمیم گیری های حکومتی سازمان دهی شده است.

۵- روش تجزیه و تحلیل داده ها

و تحلیل تطبیقی مورد بررسی) Qualitative Content Analysis (داده های گردآوری شده با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی قرار گرفته اند. در این راستا: ابتدا روایت ها و گزارش های مختلف در مورد ترکان خاتون و نقش او در دربار، توصیف شده؛ سپس، شباهت ها و تفاوت ها میان منابع تاریخی و پژوهش های جدید (از جمله آثار شیرین بیانی) بررسی شده؛ در نهایت، با تطبیق داده ها با چارچوب نظری مقاله (جایگاه حقوقی زن در ساختار قدرت)، تلاش شده است تا تصویری منسجم از وضعیت حقوقی و سیاسی ترکان خاتون ارائه شود.

۶- اعتبار و روایی داده ها

«(مثلث سازی منابع» برای افزایش اعتبار پژوهش: از چند منبع مستقل برای تأیید هر گزارش تاریخی استفاده شده است (روش میان گزارش های مورخان هم عصر و پژوهش های جدیدتر) نظیر آثار بیانی (مقایسه صورت گرفته، در موارد تعارض روایات، کوشیده شده است با توجه به زمینه تاریخی، وابستگی های سیاسی مورخان و نقد منبع، روایت های معتبرتر شناسایی شود.

۷- محدودیت های پژوهش

از جمله محدودیت های این تحقیق می توان به: ذکبمود منابع اختصاصی درباره ی ترکان خاتون، پراکنده بودن اطلاعات مربوط به زنان دربار در متون تاریخی، و نگاه مردم محور غالب در تاریخ نگاری سنتی اشاره کرد که بر روند گردآوری و تحلیل داده ها تأثیر گذاشته است.

۵ - یافته ها و تحلیل

براساس پژوهش انجام شده، چند نتیجه کلیدی در زمینه جایگاه حقوقی و سیاسی ترکان خاتون در دوره خوارزمشاهیان قابل تأمل است: نقش ترکان خاتون به عنوان یک فعال سیاسی در دربار تحقیقات نشان می دهد که ترکان خاتون نه تنها نقش مادر سلطنتی داشته، بلکه در تصمیم گیری های حکومتی و سیاست خارجی در دربار خوارزمشاه نقش آفرینی مستقیم داشته است و با توجه به خویشاوندی با ترکان قنقلی و داشتن لشکر مستقل، شکنجه مخالفان و ریختن ذوب داغ به حلقه آنان، دستور قتل بازرگانان مغولی، دخالت در انتخاب ولی عهد و کنار گذاشتن سلطان جلال الدین خوارزمشاه از ولایت عهدی، و اقدامات خود سرانه دیگر باعث سقوط سلسله خوارزمشاهیان و حمله مغول به فلات ایران شد.

این امر به ویژه در منابع تاریخی چون کتاب تاریخ دکتر شیرین بیانی و عباس اقبال آشتیانی و منبع انتقادی ابن اثیر مورخ هم عصر مغول قابل مشاهده است (بیانی، ۱۳۷۳، ص ۸۹). این یافته، نشان می دهد که جایگاه حقوقی زنان در دربار، علی رغم محدودیت های متعارف، در عمل شامل نفوذ و قدرت سیاسی می شد که در مواردی، ترکان خاتون به عنوان یک بازیگر فعال در ساختار قدرت ظاهر می گردید و نقش مخوفی در دربار سلطان محمد داشته که باعث سقوط جایگاه حقوقی خود و دیگر زنان عصر را نیز در پی داشت، وی بعنوان اسیر به قراقوم پایتخت مغولان تبعید و اسیر شد و در آنجا به رقاصه گی و بیچارگی از دنیا رفت. در ادامه به نقش حقوقی جایگاه او بعنوان همسر تکش خوارزمشاه و مادر سلطان محمد خوارزمشاه از خاندان قنقلی می پردازیم.

۱ پایگاه حقوقی و نقش مادر سلطنتی

مطالعات نشان می دهد که جایگاه ترکان خاتون در نظام حقوقی و سیاسی، تا حدی عمدتاً مبتنی بر نقش مادر سلطان و نایب السلطنه در غیاب حاکم بود. در منابع چون تاریخ خوارزم، این نقش به عنوان مصدر قدرت و مشروعیت اتخاذ می شد (محمودی، ۱۳۹۸، ص ۵۸). از دیدگاه فقهی و حقوقی، متون دوره نشان می دهد که جایگاه مادر سلطنتی در درون ساختار خانوادگی، نوعی مشروعیت حقیقی و نمادین برای نفوذ او محسوب می شد؛ هر چند در ظاهر، جایگاه حقوقی وی بر اساس اصول مردسالارانه جاری قرار داشت

(بیانی، ۱۳۷۳، ص ۱۱۵).

۲ مشارکت در تصمیم گیری های سیاست خارجی و داخلی

بنا بر شواهد موجود، ترکان خاتون در سیاست خارجی نظیر روابط با کشورهای همسایه نقش داشته است، همان گونه که در منبعی از میرزا یوسف، نقش او در رایزنی های مربوط به امضای قراردادها ذکر شده است (یوسفی، .) ۱۴۰۰ این یافته، نشان می دهد که در واقعیت، نهادهای حقوقی و سیاسی در آن زمان، در عمل، توانایی حضور زنان در عرصه های کلان سیاسی را فراهم می کرده است، اگرچه در ظاهر، ساختارهای مردسالارانه غالب بوده است.

۳ درک تاریخی از حقوق زنان در دوره خوارزمشاهیان

تحقیقات نشان می دهد که در منابع عمدتاً مردانه، جایگاه زنان در ساختار قدرت کمتر از واقعیت های عملی ارزیابی شده است. این تفاوت به ویژه در تحلیل آثار شیرین بیانی بر نقش زنان در گ ساختارهای قدرت در دربار خوارزمشاهی به وضوح دیده می شود بر اساس این یافته ها، می توان نتیجه گرفت، نقش زنان در دوره خوارزمشاهی، به ویژه در سطح قدرت رسمی، محدود نبوده و در مواردی، حضور فعال آنان در عرصه های سیاسی و حقوقی قابل توجه بوده است.

۶ - نتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف تبیین جایگاه حقوقی و کنشگری سیاسی ترکان خاتون در دربار خوارزمشاهی صورت گرفت. یافته های این آنان در ساختار قدرت در این دوره، شکافی « جایگاه واقعی » زنان در نظام حقوقی و « جایگاه اسمی » مطالعه نشان می دهد که میان عمیق وجود داشته است. در تحلیل نهایی، نتایج پژوهش را می توان در سه محور کلیدی خلاصه کرد:

۱. شکاف میان ساختار رسمی و کارکرد عملی قدرت:

اگرچه در نظام حقوقی و عرفی عصر خوارزمشاهی، اقتدار سیاسی به طور رسمی در انحصار مردان بود، اما ترکان خاتون با تکیه بر توانستند خلأهای حقوقی موجود را با اعمال نفوذ شخصی و ایجاد شبکه های قدرت پر کنند. چنان که شیرین، «مادر سلطنتی» جایگاه بیانی به درستی تصریح می کند، نفوذ ترکان خاتون نه از طریق مجاری قانونی، بلکه از رهگذر پیوند ناگسستنی با نهاد قدرت سلطنت بود که مشروعیت خود را « قدرتی مضاف » و مدیریتی غیررسمی ارکان دربار به دست آمده است (بیانی، .) ۱۳۷۳ در واقع، قدرت او از پیوند با سلطان محمد خوارزمشاه وام می گرفت، نه از یک جایگاه حقوقی تعریف شده در متون قانونی آن عصر.

۲. ترکان خاتون؛ کنشگر سیاسی یا کارگزار موروثی؟

یافته های این پژوهش نشان می دهد که فعالیت های ترکان خاتون در حوزه ی سیاست داخلی و خارجی، بیش از آنکه برآمده از یک ایدئولوژی برابری خواهانه یا تلاش برای ارتقای حقوق قانونی زنان باشد، معطوف به حفظ منافع سلسله ای و گسترش اقتدار شخصی در درون ساختار دربار بوده است (یوسفی، .) ۱۴۰۰ با این حال، همین حضور پررنگ، به طور غیرمستقیم، کلیشه

های رایج درباره ی انفعال سیاسی زنان در تاریخ ایران را به چالش کشید و الگویی از مشارکت فعال را در تاریخ نگاری خوارزمشاهی تثبیت کرد.

۳. بازخوانی تاریخی و اهمیت جایگاه حقوقی:

در نهایت، بررسی موردی نقش ترکان خاتون نشان می دهد که مورخان مردسالار این دوره، غالباً در ثبت فعالیت های سیاسی زنان، دچار نوعی سوگیری بوده و نقش آنان را در حاشیه قرار داده اند (زمردی، ۱۳۹۶). این پژوهش تأکید می کند که بدون در نظر گرفتن نقش تأثیرگذار زنانی چون ترکان خاتون، فهم پیچیدگی های ساختار سیاسی دربار خوارزمشاهی ناقص خواهد بود.

نتیجه نهایی:

جایگاه حقوقی ترکان خاتون در دربار خوارزمشاهی، وضعیتی بینابینی داشت؛ او از یک سو تابع محدودیت های ساختاری دوران خود در عالی ترین سطوح تصمیم گیری (نظامی، مالی و سیاسی) ایفای نقش می کرد و، «قدرت پنهان» بود و از سوی دیگر، در مقام یک دلیل آن وابستگی به خاندان قنقلی و مادر سلطان بودن و خویشاوندی نزدیک به سایر خان حاکم بی کفایت که با رفتار خود به تحریک مغولان برای حمله به ایران شد. این تجربه تاریخی اثبات می کند که در تاریخ ایران، اقتدار سیاسی زنان، همواره از میان شکاف های موجود در قوانین رسمی و عرف های اجتماعی، راه خود را به عرصه عمومی باز کرده است.

۷ منابع فارسی

- ۱ اقبال، عباس (. ۱۳۸۹) تاریخ مغول. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۲ اشپولر، برتولد (. ۱۳۷۵) تاریخ مغول (ترجمه ی فارسی). تهران: انتشارات علمی و فرهنگی
- ۳ بیانی، شیرین، ایران در برخورد با مغولان، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۵۲
- ۴ بیانی، شیرین، دین و دولت در ایران عهد مغول، ج ۳، تهران، مرکز نشر دانشگاهی ۱۳۶۷ تا ۱۳۷۵
- ۵ بیانی، شیرین، زن در ایران عصر مغول، تهران، انتشارات دانشگاه تهران ۱۳۵۲
۶. راوندی، مرتضی (. ۱۳۶۹) تاریخ اجتماعی ایران، ج ۴.
- ۷ مردی، به بررسی چالش های تاریخی پیش روی زنان و تأثیر آن ها در ساختارهای اجتماعی و سیاسی، تهران، ۱۳۹۸
- ۸ فتاحی، سوده. زن و سیاست در تاریخ ایران اسلامی. تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۹۸
- ۹ فتوحی، محمد (. ۱۳۹۵) (زنان در تاریخ ایران: تجلیات قدرت و حقوق. تهران: انتشارات دانشگاه.

۴۵-، (۱۰)۳ - محمودی، سارا. (۱۳۹۸) زنان و قدرت در دوران خوارزمشاهیان: بررسی نقش ترکان خاتون. مجله تاریخ

اجتماعی، ۱۲،

.۷۸

۳۷-۲۲، (۱۱)۱ (۱۱) یوسفی، علی. (۱۴۰۰) نقش مادران سلطنتی در نظام سیاسی ایران. پژوهش های تاریخ اسلامی، ۱۵،

۱۲ ناصرزاده، مینا. (۱۳۹۷) جایگاه زنان در ساختارهای اجتماعی ایران. انتشارات ناکجا.

۱۳ زمردی، حسین. (۱۳۹۶) زن و تاریخ: رویکردی نو به مطالعه جنسیت در تاریخ ایران. تهران: انتشارات علم.